



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه پنجم سرکار خانم ریحانی ۹۹/۹/۲

ما در بحث ویژگی های نوجوانی و بلوغ بودیم. رسیدیم به بحث تربیت جنسی و در واقع در تربیت جنسی یک مقدماتی را جلسه پیش گفتیم. یک سؤالی که دوستان جلسه پیش کرده بودند اینکه بچه ها ممکن است سؤالی از نوع زایمان طبیعی پرسند، ما در واقع اشکالی ندارد که فرقی زایمان طبیعی و سزارین را برای بچه ها توضیح بدهیم، ولی لزومی ندارد خیلی کامل و با جزئیات توضیح بدهیم و لزومی هم ندارد که ما بخواهیم از کنارش رد بشویم و توضیح ندهیم. چون در آن صورت برای پرسش هایشان مراجعه به دوستان می کنند و جوابی که می گیرند شاید جواب جالبی نباشد. در واقع ما خیلی سر بسته می توانیم به بچه ها بگوییم در سزارین زیر شکم را پاره می کنند و بچه را از بدن مادر خارج می کنند. و پزشک با استفاده از دارو می تواند به مادر کمک کند که در سزارین مادر بدون احساس درد زودتر بچه اش را به دنیا بیاورد. اما در زایمان طبیعی می توانیم به بچه بگوییم که رحم مثل گلابی است بچه در رحم رشد کرده بزرگ شده خیلی گذرا بگوییم از حفره ای که در وسط پاهای مادر است موقع به دنیا آمدن خارج می شود. این را سعی می کنیم نه با هیجان زدگی لازم است با او صحبت کنیم ولی در هر دو حالت، به جای اینکه بخواهیم تمرکز کنیم روی جزئیات به دنیا آمدن بچه، می توانیم تمرکز کنیم و با هیجان زیاد از بزرگی و قدرت خدا صحبت کنیم. تا تقریباً ما یک انحرافی در فکر بچه ایجاد کرده باشیم که دیگر بخواهد از جزئیات صرف نظر کند. ولی در واقع حق بچه ها است که یک سری اطلاعات را داشته باشند ولی اصلاً لزومی ندارد که ما این اطلاعات را خیلی ریز و جزئی بخواهیم در اختیار بچه ها قرار بدهیم.

گفتیم تحولات جسمی که در هر فردی اتفاق می افتد منتها در دوره نوجوانی به اوج شکوفایی خودش می رسد و همین حالت هم هست که فشار وارد می کند و در واقع به یک نوع جهت گیری جنسی می انجامد. تربیت جنسی از چه زمانی شروع می شود شاید قبل از تولد بچه ها، منتها با تولد بچه ها این نوع تربیت شکل می گیرد. به طوری که بعد از تولد نوع برخورد متفاوت حتی با نوزاد و یا خردسال و یا کودک در دوره کودکی که پسر و دختر هست در شکل دادن به آن هویت جنسی فرزند ما فوق العاده موثر است. من امروز یک تمرکزی می خواهم داشته باشم روی بحث هویت جنسی، یعنی در واقع اگر ما تمرکز تربیت جنسی را به صورت یک فرآیند در نظر بگیریم آن مرکز ثقل و نقطه عطف این بردار یا این فرآیند ما آن بحث هویت است. یعنی در واقع هویت یک جزء لاینفکی از انسان است که از بدو به دنیا آمدن در انسان شروع به شکل گیری می کند و مثل یک پوسته ای که تخم مرغ را حفظ می کند در واقع هویت یک چیزی است که به هیچ عنوان جدا از انسان نمی شود رفته رفته شکل می گیرد شکل گیری اش اتفاقی نیست یک آن اتفاق نمی افتد از بدو به دنیا آمدن شروع می شود و حتی به



دوران بارداری یعنی در دوره جنینی که چقدر پدر و مادر پذیرش این فرزند را دارند که قرار است انشاء... به دنیا بیاید، تمام اینها روی هویت فرزند و آن شکل گیری هویت درست فرزند تأثیر گذار است.

گفتیم که هویت یک مفهوم دو سویه است که از یک طرف به احساسات فرد در مورد خودش بستگی دارد یک طرف هم به توصیف دیگران از او بستگی دارد. پس بنابراین این دوتا بال شکل دادن هویت یک فرزند، انواع هویت را گفتیم و یک بخش را هم گفتیم هویت جنسی است.

در هویت جنسی به نظرم این را اشاره کردم که در این هویت آن تلقی فرد از خودش به عنوان جنس دختر یا جنس پسر، این هویت جنسی است. که همانطور که ما باید دقت داشته باشیم در شکل گیری هویت فرزند از همان ابتدا دقیقاً این تأثیر گذار است که آن هویت جنسیتی او یعنی بالی که مربوط به توصیف دیگران است. این دیگران والدین یا مربی مدرسه هستند. این دیگران دوستان هستند. که چقدر تصورشان از این فرزند من به عنوان دختر یا پسر بودنش هست یا پسر بودن به عنوان جنس پسر.

توقعاتی که از او دارند و توصیفی که از او می کنند همه اینها مثل یک مهره های پازلی که یک شکل را ترسیم می کند و درست می کنند در واقع همه این رفتارها وقتی در کنار هم قرار می گیرند پازل هویت جنسی فرد را تشکیل می دهند. به تدریج فرد آن اطلاعاتی را که درباره پسر بودن یا دختر بودنش و نقش های متفاوتی را که دختر و پسر دارند انتظاراتی که از هر یک از این جنس از بیرون از آنها می رود آن فرد آن مجموعه اطلاعاتی را که به دست می آورد درباره آن مفهومی که از خودش به دست می آید و هویت جنسی خودش به این شکل برایش شکل می گیرد.

بنابراین در اینجا می خواهم اهمیت دیگران را در شکل گیری این مفهوم یعنی بحث هویت داشته باشیم که چقدر والدین موظفند که در بحث موضوعات جنسی در واقع آن قاعده های مربوط به دو جنس مخالف (حالا این قاعده ها می خواهد اخلاقی و دینی باشد یا اجتماعی که مربوط به موضوعات جنسی است) در واقع باید هماهنگ با آن باورها و موقعیت های خاص اجتماعی آموزش داده شود که در واقع نه از یک طرف آن پرده دری بحث حیا بشود، نه از آن طرف هم که بچه آن قدر احساس خلاء بکند که بخواهد سؤالات خودش را از دیگران بپرسد. یا اصلاً نداند که به لحاظ یک جنس چه توقعاتی می شود از او داشته باشند. پس بنابراین به عنوان یک والد در واقع، باید نیازهای بچه ها را برآورده کنیم و به تناسب نیازهایشان توقعاتمان را هم مطرح کنیم. در واقع آن کانون هایی که مؤثرند در خصوص تربیت جنسی مثلاً نهاد خانواده نقش اصلی را دارد در کنار نهاد خانواده مدرسه می آید یک نقش مکمل را پیدا می کند. ولی مسئولیت اصلی تربیت جنسی کودک و نوجوان برعهده پدر و مادر است. در واقع اگر شما پسر بچه ای را می بینید که در سن ۱۰-۱۱ سالگی تمایل به کارهای دخترانه دارد، قطعاً باید در رفتار والدین و اکاوی بکنید. اگر دختر بچه ای را می بینیم که رفتار پسرانه ای دارد، باز دقیقاً باید رفتار اطرافیان را ببینیم. چون آن توصیف ها و گراهایی که دیگران به فرد میدهند، دارد آن هویت



درویش را ... هویت جنسی چیزی نیست که ما از بیرون مثل روسری سر کنیم، اصلاً کلاً هویت یک چیز و یک مفهوم درونی است که حالا اینجا آمده‌ایم در بحث جنسیت می‌گوییم پسر یا دختر شمردن خودش یک فرآیند است که در واقع کودک در جریان آن هویت جنسی خودش را کسب می‌کند. در واقع آن محرک‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی را که فرهنگ و جامعه برای جنس خاص او مطلوب می‌داند، این را برایش جذب و درونی می‌کند. می‌گویید در گذشته تأکید زیادی روی تفاوت‌های روان‌شناختی روی دختر و پسر وجود داشت، اما تحقیقات جدید نشان می‌دهد اگر دختر و پسر در شرایط مشابه قرار بگیرند رفتار مشابهی از خودشان نشان می‌دهند.

در زمان آشکار شدن جنسیت فرد، این را دیگر همه مادران که به هر حال مادر هستند و فرزند دارند درک می‌کنند که در واقع از حدود ۲/۵ سالگی اکثر افراد متوجه پسر بودن یا دختر بودن خودشان هستند و از این سن و سال به تدریج اسباب بازی‌های دو جنسیت متفاوت می‌شود. در واقع در ۳ سالگی برخی قالب‌های اجتماعی نقش جنسیتی خودش و جنس مقابل را هم می‌شناسد و با ورود به مدرسه درک می‌کند که جنسیت یک جنبه پایدار و تقریباً جدایی‌ناپذیر از شخصیت انسان است. در واقع این مسأله را می‌خواهد توضیح بدهد که از ۳ سالگی به بعد کودک کاملاً متوجه می‌شود که چه کارهایی مربوط به چه جنسیتی است. شاید حالا به صورت کامل نه گفتیم چون بچه‌ها دارند می‌بینند و اینکه می‌بیند خرید رو پدر انجام می‌دهد مثلاً کارهای خانه را مادر انجام می‌دهد. یعنی در واقع یک تصویری که از اطرافیان‌ش دارد پیدا می‌کند و آن اطلاعات را دارد به او می‌دهد برای بازخورد اینکه بگوید من یک نقش مخصوص به یک زن و یا یک نقش مخصوص به یک مرد به عنوان پدر چیست.

بینید، بحث رشد و هویت جنسیتی بخشی از فرآیند عمومی رشد جنسی است. ما رشد جنسی را گفتیم که در غدد بررسی کردیم در مغز بررسی کردیم به لحاظ محیط بررسی کردیم بحث رشد را، الان آمده در بحث هویت جنسیتی می‌خواهد بررسی کند.

رشد هویت جنسیتی بخشی از فرآیند عمومی رشد جنسی است. یعنی در واقع رشد جنسی را شما اگر یک فرآیند در نظر بگیرید، که غددی که در درون بدن شروع به فعالیت می‌کنند ترشح هورمون‌هایی که تأثیرگذار است روی اندام‌ها، اندام‌هایی که تغییر پیدا می‌کنند به واسطه این هورمون‌ها، تمام اینها در واقع یک اساس زیستی دارد مرتبگی که آن هویت جنسی هم کاملاً مرتبط با این اساس زیستی است.

اگر خاطرتان باشد توضیح دادیم در رابطه با قد بچه‌ها، می‌خواهم بگویم اینجا اینها با هم مرتبط است که حتی مثلاً کوتاهی و بلندی قد، گفتیم که وقتی قد بلندتر دارند احساس توانمندی بهتری دارند، رابطه مستقیم دارد با اینکه رشد هویت جنسیتی به چه شکل تکامل پیدا کند. از یک طرف هم به چگونگی ارتباطات کودک با والدین به خصوص والدۀ هم‌جنس خود و همانند ساز می‌کند و الگو برداری می‌کند. در واقع شکل دادن



الگوهای رفتاری در ارتباط با جنس مخالف بستگی دارد و بخش عمده آن در سالهای کودکی تا قبل از بلوغ در واقع شکل می‌گیرد.

بچه‌های ما، پسر و دختر ما، کاملاً دارند می‌بینند. به خاطر همین هست که فوق‌العاده مهم است زمانی که والدین برای بچه‌ها صرف می‌کنند در کنار بچه‌ها هستند. بچه‌ها را فکر نکنیم که نیاز داریم بگوییم این مساعدت را به بچه‌ها داریم درس می‌دهیم. نه، همین قدر که ما در کنار بچه‌ها هستیم، همین قدر که مادر دارد در آشپزخانه غذا درست می‌کند همان قدر که مادر دارد لباس‌هایش را منظم می‌کند، در واقع این کاملاً مؤثر خواهد بود در رشد و هویت جنسی که برای فرزند اتفاق می‌افتد.

عوامل زیادی را که روی هویت جنسی تأثیر می‌گذارد که هویت جنسیتی‌اش رشد بکند را لیست کرده ما این‌ها را باهم بررسی می‌کنیم. ارتباط کودک با والدین، یعنی وقتی کودک ما مثلاً دختر بچه است یا پسر بچه است، یک پسر بچه‌ای که صبح تا شب با مادر است، و ساعت معناداری را به عنوان الگوپذیری پدر را در کنار خود نمی‌بیند، احساس نمی‌کند و قاعدتاً مثلاً حتی در آرایشگاه می‌خواهد موهایش را کوتاه کند، مادر با خودش به آرایشگاه زنانه می‌برد، موهایش را کوتاه می‌کند، لباس می‌خواهد بخرد همین طور، یعنی تمام فرآیند رشدش دارد با جنس مخالف خودش یعنی مادر اتفاق می‌افتد قاعدتاً نباید توقع داشته باشیم که هویت جنسیتی این بچه درست شکل گرفته باشد. یعنی چه؟ به لحاظ اینکه یک پسر اگر قرار باشد یک هویت درستی از خود بروز بدهد، قاعدتاً نیاز به یک الگویی رفتاری در کنار خود دارد. اگر این الگو نباشد قطعاً اینجا این اتفاق خواهد افتاد. شاید سؤال پیش بیاید که بچه‌هایی که با یک والد دارند زندگی می‌کنند تک والدی هستند پدر و مادر به هر حال به یک نوعی یا وجود ندارند یا اگر وجود دارند نقش فعالی ندارند. اینجا قاعدتاً نقش اطرافیان درجه ۲ پدر بزرگ، مادر بزرگ، عمه، دایی، عمو، خاله، و اینها کسانی هستند که میتوانند مکمل این نقش‌ها باشند.

در مؤلفه بعدی، روابط فرد با خواهر و برادر است که به چه شکلی است. ببینید، خود این باز تعیین کننده است. این بچه دارد بازی می‌کند با خواهرش و با برادرش. حالا می‌بینید مثلاً بچه کوچک است با خواهر دارد بازی می‌کند پسر بچه است دخترها دوست دارند عروسک داشته باشند دوست دارند جنس موافق خودشان داشته باشند. روسری سرش می‌کند، لاک دستش می‌زند، موهایش را بلند می‌کند، مثل دخترها گل سر به سرش می‌زند، قاعدتاً این چیزی است که ما داریم می‌بینیم همه هم می‌بینند خوششان می‌آید، می‌خندند ولی غافل از اینکه آن هویت اینجا دارد آن مهره‌های خودش را در کنار هم قرار می‌دهد و هویت بچه در اینجا دارد شکل می‌گیرد. این نباشد که بگوییم بعضی‌ها دوست دارند حالا مادر پسر ندارد پدر دوست دارد دختر خودش را موهایش را پسرانه می‌زند، لباس پسرانه تنش می‌کند، یا بالعکس. غافل از اینکه آن اتفاق دارد در درون بچه شکل می‌گیرد، یک دفعه می‌بینید مثلاً می‌آید یک کار خشن پسرانه می‌کند، می‌گویند این دختر چقدر مثل پسرها خشن عمل می‌کند. این مشاهده رفتاری که جامعه متفاوت توقع دارد در واقع باز همین تأثیرگذار هست



روی آن رشد هویت جنسی، اسباب‌بازی‌هایی که برای کودک تهیه می‌شود قاعداً شاید بگوییم که مثلاً نه به ذهن‌مان متبادر بشود که مثلاً ماشین برای پسر، عروسک برای دختر، یا تفنگ برای پسر تا خیلی از فمینیست‌ها آمدند این را شکستند، گفتند این را دارید شما به عنوان یک القاء انجام می‌دهید، بحث جنسیت را ولی در واقعیت امر، این نیست. یعنی قاعداً ببینید فمینیست‌ها کسانی بودند که در واقع یک جریان زن‌محور و زن‌مداری را ایجاد کرده بودند و در این جریان یک جایی گیر دادند به این مسئله که در واقع جنسیت مجموعه‌آن رفتارهایی که از انسان سر می‌زند آنها اعتقاد داشتند می‌گفتند این القائی است یعنی القاء محیط هست که یک دختر را دختر بار می‌آورد و یک پسر را پسر بار می‌آورد.

اگر ما بیایم یک رفتار یک سویه و یک مدل داشته باشیم، قاعداً این تمایز جنسیتی را ما نداریم و این تبعیض‌هایی که علیه زن وجود دارد دیگر وجود نخواهد داشت. به خاطر همین یک سری روانشناسان آمدند کارهای بالینی کردند. آمدند یک جامعه هدفی را درست کردند از یک سری بچه‌های دختر و پسر اینها را تحت یک شرایط کاملاً یکسان بار آوردند تا یک حدی که مثلاً اینها توی مهد کودک رسیدند حتی در دوره بارداری بعد به دنیا آمدند بزرگ شدند در مهد کودک به همان اندازه که مربی خانم داشتند مربی آقا هم داشتند، تا رسیدند به یک سنی که بچه‌ها نقاشی کشیدند در شرایط کاملاً مساوی به اینها اسباب کشیدن نقاشی یکسان دادند ولی بلا استثناء نقاشی‌ها را که تحویل دادند، دیدند پسر بچه‌ها نقاشی‌هایی که کشیده بودند معطوف به خارج از خانه بود، مثلاً کوه و دشت و بیابان و محیط کار و مزرعه و اینها را کشیده بودند و دختر بچه‌ها معطوف به داخل خانه، میز غذا، آشپزخانه و ...

تفاوتی که بین دختر و پسر وجود دارد، یک تفاوتی هست که به لحاظ تکوینی و سرشتی در این دو جنس وجود دارد (این نظریه فمینیست‌ها بود که از بین رفت) لذا اسباب‌بازی‌هایی را هم که ما برای بچه‌ها تهیه می‌کنیم قاعداً تأثیرگذار هست روی شکل‌گیری هویت جنسی آنها نوع حرکات بدنی، وقتی دید که مثلاً یک دختری از یک جا می‌پرد از بلندی مثلاً از دیوار بالا می‌رود می‌گویند ای بابا، چرا این یک دختر است کارهایش همه کارهای پسرانه است! در واقع توقعاتی که از رفتار آن حرکات یک دختر یا یک پسر جامعه دارد. در ادامه رشد هویت جنسیتی، ما داریم که در واقع کودک آن عمده همانندسازی جنسیتی خودش را از کودکان هم‌جنس خودش ... بعدها اگر بین فرزندان دیگر دختر یا پسر وجود دارد از فرزندان هم‌جنس خودش همانندسازی می‌کند، نه از والد هم‌جنس خودش. حالا فریود این نظر را مطرح می‌کند در واقع گفتیم بیشترین تأثیر آن کودکان هم‌جنس یا اگر بچه‌ها فرزندان دیگر هستند هم‌جنس خودش این اطلاعات را دریافت می‌کند.

در واقع انتظاراتی که جامعه از کودک دارد در هویت جنسی خود آنها را رعایت کند شکل‌گیری هویت جنسیتی فرد را حتی در سالهای نوجوانی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نوجوان‌ها پسر یا دختری که نقشی ایفا



کنند که در شمار نقش‌های جنس مخالف آنها به حساب می‌آید و مورد اعتراض جدی همسالانشان خواهد بود و امکان طرد از جمع دوستان وجود دارد. این مسأله را من با یک مثال توضیح میدهم.

ببینید در یک جمع پسرانی هستند دوست دارند باهم بازی می‌کنند، اگر یکی از این پسرها در این جمع باشد که مثلاً خیلی زود قهر کند یا خیلی زود به او بر بخورد (پسرها معمولاً در سن نوجوانی یک اصطلاحاتی را دوست دارند به هم بگویند یک اباهه‌گری‌هایی در کلام دارند خشن صحبت می‌کنند و خشن رفتار می‌کنند اگر یکی از آنها بخواهد یک خرده ظریف‌تر از بقیه در اینجا عمل کند، بلافاصله اعتراض می‌کنند که چیه تو مدام مثل دخترها قهر می‌کنی؟ و آرام آرام او را از جمع خودشان طرد می‌کنند. یعنی در واقع باز اشاره به همان تأثیر دارد. شخصی که در دوره کودکی و نوجوانی عمده اطلاعات جنسی خودش را از طریق دوستان و همسالان کسب می‌کند به ویژه اگر گفتگوی بزرگسالان با او در این موضوع نوعی تابو از مسائل مگو شده باشد در این مورد معمولاً والدین خودشان را به بی‌خبری می‌زنند و نوجوان را به حال خود وا می‌گذارند.

ببینید یا بحث این قضیه این است که والدین از اینکه مجبور شوند در واقع یک سؤالاتی را برای بچه‌ها توضیح بدهند. یا احساس می‌کنند که اگر ما بخواهیم توضیح بدهیم ممکن است رویش به ما باز بشود، ممکن است آن پرده حیا کنار برود، از یک طرفی هم نمی‌دانند که چه باید بگویند به خاطر همین مسأله والدین می‌آیند چه میکنند شانه خالی می‌کنند و در واقع سعی می‌کنند در مورد این مسائل اصلاً صحبت نکنند.

و وقتی که والدین برای آموزش موضوعات جنسی به فرزندشان آگاهی‌های درست و کافی ندهند یا به دلیلی که حیا می‌کنند و نمی‌خواهند اطلاعاتی درباره دستگاہ تناسلی، بلوغ به فرزندشان بدهند، در واقع جای اینها را چه کسی می‌گیرد؟ همسالانشان می‌گیرند. همسالان چیزی بیشتر از بچه‌های ما نمی‌دانند قاعداً اگر هم اطلاعاتی کسب کرده باشند شاید اطلاعات درستی نباشد و همین زمینه فساد را ایجاد می‌کند. در واقع حتی اگر والدین ابا دارند از اینکه خودشان بخواهند این مسأله را برای فرزندان مطرح بکنند، قطعاً باید یک جایگزین مطمئن (که می‌تواند یک مربی باشد، یک مشاور باشد، می‌تواند یکی از اقوامی باشد که مثلاً معتمد است) آن فرد می‌تواند این کار را انجام بدهد که ما جا را برای دوستان و همسالان خالی نکنیم. در واقع گفتیم مدرسه یکی از یا شاید دومین نهاد معرفی شده است بعد از خانواده که تأثیرگذار است روی بحث هویت بچه‌های ما، چه به لحاظ هویت اجتماعی‌شان چه به لحاظ هویت جنسی‌شان.

در واقع اولیای مدرسه معمولاً تأثیر غیرمستقیم دارند در تکمیل اطلاعات جنسی و معمولاً تا زمان بروز انحراف جنسی اینها مستقیماً ایفای نقش نمی‌کنند، در برخورد با خطاهای جنسی دانش‌آموزان، از روش تابو قرار دادن، واکنش‌های انضباطی و طرد کننده و تازه در بهترین شرایط از نصیحت‌هایی که اصلاً اثری هم ندارد استفاده می‌کنند. نتیجه‌اش دور شدن از دانش‌آموز و هرچقدر والدین یا اولیای مدرسه ابزار کارشان این باشد که فرد را به این مرحله برساند مطمئن باشید جای آن می‌شود مخفی‌کاری و بی‌اعتمادی، و در واقع وقتی که فرزند



بی‌اعتماد شد چه به والدین و چه به اولیای مدرسه، قطعاً دنبال جایگزین می‌گردد. حالا این جایگزین در خوشبینانه‌ترین حالت می‌شود دوستانی که اطلاعات صحیح دارند و دیگر بدتر از آن فکر کنید در جامعه می‌گردد دنبال کسی که به هر حال بخواهد این نیاز او را پاسخ دهد.

یکی از مادران: با سلام خدمت خانم دکتر، روزتان به خیر. خسته نباشید. (متشکرم عزیزم بفرمائید) ببخشید راجع به یک مبحثی که داشتید صحبت می‌کردید گفتید اگر بچه‌ها در خانه حتماً از مادر یا پدر (دختر یا پسر) الگوبرداری نمی‌کنند از همبازی‌های خودشان هم در خانه ممکن است الگوبرداری کنند این خوب است یا بد؟ من الان دو فرزند کوچک دارم یکی دختر ۴ ساله پسر ۷ ساله است. پسر من در خانه می‌خواهد با دخترم بازی‌های پیر پیر و پسرانه و توپ فوتبال و تفنگ بازی و دزد و پلیس و اینها بازی کند. خیلی نگرانم می‌گویم این دخترم مثلاً روحیه یا خصلت پسرانه در او نماند اینجوری بزرگ شود. بعد به او می‌گویم ماما شما باید خاله بازی کنی یا با من خاله بازی کنیم ولی بیشتر گرایش دارد که با برادرش بازی کند. حالا یک موقع‌هایی هم مثلاً...

برمی‌گردد به برادرش می‌گوید: حالا یا با من خاله بازی کن. ولی آن چون بزرگ‌تر است به قول معروف روزش بیشتر می‌چربد و هم احساس می‌کند بازی‌های او جذاب‌تر است این دخترها با او همراه می‌شوند و بازی می‌کنند. این خوب است یا بد، چه کار باید بکنیم؟

پاسخ: ببینید من نمی‌خواهم ارزش‌گذاری کنم که خوب است یا بد. ما باید ببینیم ایده آل ما یا آنکه درست است چیست. چیزی که درست است این است که دختر من باید الگوی جنسیتی موافق خودش را داشته باشد. درست است؟ (درست است) خوب، در محیط باید باشد. حالا نیست. الان ایشان در محیط یک همبازی دارد که پسر است. درست است؟ (بله) خوب این نقش شما را می‌طلبد شما می‌گویید که من به او می‌گویم که تو یا با من بازی کن. اما پسر شما این را نمی‌گوید. پسر شما آن را بازی می‌دهد. درست است؟ (بله) قاعدتاً من باید این فرصت را از پسر بگیرم. من باید زمینه بازی دخترانه را ایجاد کنم. نمی‌دانم کاسه بشقاب بیاوریم با هم آشنایی کنیم. یعنی اینجا مادر می‌تواند جایگزین آن نقش همبازی برای این بچه بشود. چرا؟ چون واقعاً تأثیر دارد. یعنی روحیات جسارت آن پسر روی این دختر تأثیر دارد. و کم‌کم در بحث هویت جنسی این بچه تقریباً تأثیر می‌گذارد. منتهای مراتب به هوش بودن شما و اینکه بتوانید اینجا این را تعدیل کنید اگر یک همبازی در همسایگی دارد که هم جنس اوست او را بیاورید یک ساعت‌هایی با او بازی کند یا مثلاً جذابیت آن اسباب بازی دخترانه را آنقدر زیاد کنید ترجیح بدهد با شما بیاید بازی دخترانه بکند قاعدتاً شما فشار آن تأثیر را خواهید گرفت. (خانم دکتر، اگر بعضی وقت‌ها این با اون بازی پسرانه می‌کند مثلاً بعضی وقت‌ها پسر با دختر خاله بازی و از این بازی‌ها بکنند این چه طور است؟) این اشکالی ندارد. آخر ما یک سری بازی‌ها را اسمش را پسرانه نگذاریم. یک وقتی مثل بدو بدو کردن بچه‌ها هر دو جنس دارند از آن لذت می‌برند این جنسیتی نیست. ولی



بازی دزد و پلیس، کاملاً یک بازی با جسارت زیاد پسرانه است. خوب، پس اینجا قطعاً شما باید دخالت کنید ولی جایی مثلاً دارند دنبال بازی می کنند یا قایم موشک بازی یا بازی های پر تحرک دارند انجام می دهند اینجا لزومی ندارد شما مداخله داشته باشید که برای بچه بزرگتر حساسیت ایجاد نکند که شما دارید جلوی این مسئله را می گیرید. ولی حواستان به این شکل گیری به لحاظ الگویی باشد که حتماً این مسئله را انشاء... شما تعدیل کنید. (یعنی وقتی دارد بازی می کند به دخترم بگویم بازی نکن؟) آن موقع اصلاً وقت بکن نکن نیست. آن موقع اصلاً وقت قاعده و قانون ایجاد کردن نیست شما جلوتر باید شرایط را ایجاد کنید که اصلاً زمان را از ایشان بگیرد. و اگر نه وقتی دارند بازی می کنند به هیچ عنوان نه شما توضیح بدهید. نه اصلاً آنجا نقد کنید که تو یک دختری این بازی پسرانه است ...

خانم دکتر، این قدر دیگر من وقت نمی کنیم که بخواهم صبح تا شب وقت خودم را بگذارم بخواهیم بنشینم با دخترم بازی کنم. (یا مکن با فیل با نان بازی یا بنا کن خانه ای از بهر فیل) نیست آسان بازی مادر شدن خانم جوادی. یعنی این واقعاً سنی است که بچه ها نیاز به وقت گذاشتن دارند. انشاء... موفق باشید.

... دخترم یک وقت جایی نشسته به پسر می گوید داداش، بیا بازی کنیم. می گوید بیا فوتبال بازی کنیم. یا دزد و پلیس بازی کنیم. (خوب، اینجا انشاء... حضور فعال شما اینها را کم رنگ می کند) یکی از مادران: پسرانی که اکثراً زمان نوجوانی خود را با مادر می گذرانند چه آسیب هایی در بزرگسالی خواهند داشت؟

پاسخ: مسئله همان نقش است. گفتیم آن هویت جنسیتی که گفتیم دارد شکل می گیرد و درونی می شود، در واقع انعطافی که مادر دارد، آن انعطاف در مردان وجود ندارد. وقتی پسری با مادر دارد آن هویت جنسی اش شکل می گیرد، قاعدتاً آن اقتدار مردانه را ممکن است در زندگی نداشته باشد. اینجا اگر ما دنبال یک مسئله ای باشیم که قطعاً جایگزین بشود یا آن زمان هایی را که حداقل با پدر نیست، با پدر بزرگ با عمو یا با دایی، به هر حال اینها را باید برایش قطعاً ایجاد کنیم که انشاء... به آن بخش از شکل گیری هویت جنسیتی او آسیب وارد نشود. بحث تأثیر جامعه و فرهنگ بود بر هویت جنسی، خانواده را بررسی کردیم، مدرسه را به عنوان جامعه دوم بررسی کردیم. الان مؤلفه های بعدی مثل جامعه و فرهنگ، همسالان، کلاً اینها هر کدام به شکل های مختلف روی هویت جنسی فرد تأثیر می گذارد. در واقع ارتباطات دوستانه کودکان هم جنس با یکدیگر در سالهای آخر دوره دبستان، مقدمه مناسبی است برای شکل دادن رفتار صمیمانه فرد در سالهای آتی با عموم مردم و همجنسان خود و نیز با جنس مخالف.

یعنی در واقع بچه ها در سالهای آخر دوره دبستان اگر دیده باشید دفترچه های خاطرات دارند می دهند معلمان شان امضاء می کنند یا به دوستان شان می دهند. در واقع بعد از ۵ یا ۶ سال که می خواهند از نهادی که ۵ یا



۶ سال با آن گره خورده بودند جدا بشوند، یک احساسی نسبت به این‌ها دارند که در واقع دارد یک ادامه ارتباطی‌شان را با جامعه ایجاد می‌کند.

اتفاقاً اگر شما بخواهید بچه‌ها را آنالیز کنید خیلی از رفتارهای بچه‌ها یعنی آینده بچه‌ها آنجا خودش را نشان می‌دهد. یعنی بچه‌هایی که نگران از هم جدا شدن هستند این‌ها روحیه‌ی عاطفی بیشتری دارند. یعنی صمیمیت را درک کرده‌اند و در ادامه هم می‌توانند یک گروه موفق داشته باشند. بچه‌ها در سنین پایین فقط دنبال هم‌بازی هستند خیلی دنبال جنس موافق خودشان نیستند...

در هفت سال دوم بچه‌ها دنبال هم‌جنس خود هستند. یعنی شما مثلاً در فامیل یک‌جا جمع شدید یک دفعه می‌بینید یک‌جا دخترها باهم و پسرها باهم مثلاً در حیاط دارند فوتبال بازی می‌کنند یعنی دنبال هم‌جنس خودشان هستند. مگر اینکه اینجا یک اختلالی در آن هویت باشد. مثلاً می‌بینید با فامیل دارند در حیاط بازی می‌کنند یکی از این پسرها در دخترهاست این را باید دنبال یک علتی در آن گشت، یا مثلاً دخترها باهم یک‌جا جمعند دارند باهم بازی می‌کنند. یکی از این دخترها داخل پسرهاست، قطعاً اینجا یک خطایی در بحث شکل‌گیری رشد داده یعنی ما باید این را در آنجا جستجو کنیم. در واقع می‌گویید این ارتباطات تجربه بسیار مفیدی برای ابراز صمیمیت با دیگران و از جمله همسر آتی خود در دوره‌های بعدی زندگی است. هنجارشکنی‌هایی مثل فیلم‌های مستهجن، فضای مجازی، ماهواره، برخی کتاب‌های مجلات در اشاعه نگرش‌ها و رفتارهای انحرافی آمیز جنسی مؤثرند. در واقع تمام اینها به عنوان آن فاکتورهایی هستند که یک مسیر امنی که ما درست کردیم برای شکل‌گیری هویت جنسی تمام اینهایی که در اینجا دارد مطرح می‌کنند مثل کتبی که قلم عفیفانه‌ای ندارند و غیره در واقع این انحرافات اخلاقی و جنسی را در بچه‌ها رقم می‌زند. اینجا هم نمونه‌هایی آورده است مثل: ترویج بی‌بند و باری، بی‌اعتنایی به حجاب، بی‌معنا کردن محرم و نامحرم، عادی‌سازی زنا و بارداری قبل از ازدواج.

تغییرات جسمی و جنسی دوره نوجوانی هم خیلی مهم‌اند و هم خیلی سریع‌اند. این باعث شده که بسیاری از متخصصان رشد، این دوره را یک مرحله بی‌نظیر در رشد بدانند.

حتی گفتیم در احادیث هم داریم که خداوند عالمیان از دوره جوانی در واقع دو بار سؤال می‌شود، هم از عمر، که عمرت را در چه مسیری گذراندی؟ و باز سؤال می‌شود که جوانی‌ات را در چه راهی صرف کردی؟ در صورتی که جوانی هم مربوط به دوره‌ای از دوره‌های عمر است ولی باز با این حال، دوباره سؤال می‌شود و این نشانگر آن اهمیت این دوران است به لحاظ ابزارهای فوق‌العاده‌ای که در این زمان هست، به لحاظ جسم قوی، به لحاظ ظرفیت‌های بدنی قوی، به لحاظ ظرفیت‌های ذهنی فوق‌العاده‌ای که در این دوران وجود دارد از این جهت حتی نظر متخصصان رشد را هم به خودش جلب کرده و این دوره را یک دوره بی‌نظیر در مسیر رشد می‌دانند.



هورمون‌های غدد جنسی عملکرد فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کنند خصوصیات ثانویه جنسی که مردان را از زنان متمایز می‌کند آشکار می‌شود، پسران ریش در می‌آورند، دخترها فیزیکی‌شان تغییر می‌کند پسرها عضلانی‌تر می‌شوند شانه‌هایشان پهن‌تر می‌شود اکثر بافت‌های چربی دوران کودکی در واقع به عضله تبدیل می‌شود دختران آمادگی بارداری بیشتر پیدا می‌کند، بخش‌هایی از چربی دوران کودکی آنها از بین می‌رود و در مقایسه با پسران چربی کمتری از دست می‌دهند.

در واقع قاعده عمومی این دوران این است که علائم بلوغ و تغییرات در دختران زودتر از پسران است. هر چند طی این صد سال اخیر به علت تحول عمیق سبک زندگی و عوامل دیگر سن بلوغ در کشورهای مختلف جهان پایین آمده است، اما این قاعده حفظ شده استرس و اضطراب یکی از علل بلوغ زودرس!!

این که پایین آمده سن بلوغ زودرس، یک مسئله‌اش را توضیح دادیم. سبک زندگی که امروزه در دنیا که ما هم مستثنی از آن نیستیم استرس و اضطراب در این سبک زندگی ماشینی که ما داریم نسبت به قبل بیشتر است. یک از علت‌ها و فاکتورهایش بود که من یادم است جلسات قبل کامل روی این بحث کردیم و گفتیم هورمونی که به لحاظ اضطراب در خون ترشح می‌شود، فوق‌العاده به لحاظ مولکولی شبیه به هورمون جنسی است به خاطر همین در یک شکست مولکولی خیلی ساده، تبدیل به هورمون جنسی می‌شود لذا تأثیرگذار است میزان هورمون جنسی وقتی که بالا می‌رود روی اندام‌ها، و در شکل و عکس کلی‌اش، شما بلوغ زودرس را دارید. رشد اندام‌های جنسی پسران در حدود سن ۱۳/۵ سالگی و دختران در ۱۰/۵ سالگی است. اما این روند در افراد مختلف تفاوت می‌کند حتی در پسران ۹/۵ سال هم این تغییرات رخ داده که دختران در ۱۳/۵ سال به بعد هم به تکامل جنسی می‌رسند. در واقع این پایین آمدن سن بلوغ است که ما این را به هر حال در جامعه کاملاً می‌بینیم. حالا در بحث تغییرات ظاهری، باز در این دوره مشاهده می‌شود تقریباً پوست صورت هر دو جنس یک مقدار چرب‌تر می‌شود، ناصاف‌تر می‌شود، بعضی از بچه‌ها جوش می‌زنند (البته در پسران بیشتر است) به خاطر چربی که زیر پوست هست و آن هورمون تستوسترون که ترشح می‌شود، که حتی صدا را هم دچار تغییر می‌کند و در واقع مهم‌ترین تغییر جسمانی غیرجنسیتی در نوجوانی رخ می‌دهد و بین هر دو جنس مشترک است، رشد مغز است. که تقریباً «کاپلان» که یکی از روانشناسان است نظرش این است که فقط انسان رشد مغز و رشد نظام جنسی عملاً هم‌زمان است، و همین باعث می‌شود که عملکردهای فکری و درگیری‌های فرهنگی مرتبط با مسائل جنسی نیز تقریباً تفاوت می‌کند. پس بنابراین اهمیت این سن رفته رفته دارد برای ما بیشتر باز می‌شود چون در واقع ما رشد مغز را هم در این سن داریم.

در بحث بلوغ جنسی، زودرسی و دیررسی، برخی از این تحقیقات نشان داده که تقریباً زودتر یا دیرتر رسیدن به بلوغ جنسی معمولاً عامل وراثت در آن دخیل است و در واقع این را ما در اعضای دیگر خانواده هم می‌بینیم. ما



حتی در احکام هم این مسئله را داریم (بحث وراثت را) در خانم‌ها در بحث عدد دوران پریشانی‌شان، مثلاً می‌گویند به مادر یا بستگان مثل خاله ...

می‌شود اینها را ملاک قرار داده و بحث قرار دادن عدد این دوران برای افرادی که مضطرب هستند و عدد ثابتی ندارند اینجا هم اینکه در وراثت زودتر یا دیرتر به بلوغ جنسی رسیدن در واقع عامل وراثت در آن فوق‌العاده دخیل است. پیش‌رس بودن یا دیررس بودن بلوغ اثرات اجتماعی عاطفی قابل ملاحظه‌ای بر نوجوان می‌گذارد که از نظر روان‌شناسی و تعلیم و تربیت مهم است. چرا؟ چون نوجوان معمولاً خودش را با همسالان خودش مقایسه می‌کند لذا به خاطر کم‌تجربگی‌اش و حساسیتی که دارد و بلوغ دیرنگام یا زودنگام خودش، این را دائماً دارد مقایسه می‌کند به خاطر همین این برای او خیلی مهم است. مثلاً این بحث بلوغ در دختران خیلی دوست ندارند که زود به بلوغ برسند در صورتی که در پسران این مسئله برعکس است، دوست دارند. آن صفات ثانویه بلوغ مثل ریش درآوردن و این‌ها برایشان زودتر اتفاق بیافتد چون این را عامل اقتدار و بزرگی می‌دانند و این که خیلی در این مسئله حساس هستند. یک وقتی بچه‌ها به لحاظ جنسی بلوغ زودرس دارند ولی به لحاظ عاطفی هنوز به آن بلوغ نرسیده لذا این‌ها دچار اختلال می‌شوند، یا برعکس، به لحاظ عاطفی رسیده ولی هنوز به لحاظ جنسی به آن بلوغ نرسیده و باز اینجا این فرد را دچار اختلال می‌کند که اینجا در هر دو مورد نیاز به کمک دارند. پژوهش نشان داده که دخترانی که اطلاعات لازم درباره بلوغ خود نداشتند یا با بلوغ زودرس مواجه بودند نسبت به وقوع اولین عادت ماهیانه نگرش منفی پیدا کردند. یعنی در واقع اینجا آن مسئله نقش والدین مهم است، چرا که ما در بحث اعتقادی‌مان آموزش جنسی نداریم ولی تربیت جنسی داریم. در واقع آموزش جنسی در دیدگاه مذهبی ما یک بخشی در تربیت است و این آموزش، دادن اطلاعات لازم و به موقع و اگر این اطلاعات توسط والدین داده نشود یا توسط والدین کم داده شود، اگر دیر اطلاعات داده شود، و این فرزند با دوستان خودش مرتبط شود قطعاً بدانید که مشکلاتی در پی خواهد داشت. پس ما (چه دختر و چه پسر) نیاز داریم یک بسته‌ای را آماده کنیم از این جهت که قرار است ما یک سری اطلاعات را در اختیارشان قرار دهیم تا وسعت دید پیدا کنند روی تغییرات بدنی که قرار است برایشان اتفاق بیافتد. دختران با بلوغ زودرس تجارب بیشتری برای زندگی‌شان کسب کردند و در بزرگسالی در قدرت سازگاری بهتری بروز دادند که در گذشته بر جوانب منفی این واقعه طبیعی و ناراحتی و درد ناشی از آن تأکید می‌شد و امروزه نیز بعضی کتب بهداشتی یک بحران بهداشتی و اضطراب آفرین تلقی می‌کنند. اینجا هم باز دارد به نقش والدین به عنوان یک مربی دانا و مجرب همزمان با پیدایش اولین نشانه‌های بلوغ باید اطلاعات لازم را در اختیار نوجوان بگذارد و او را مطمئن کند که این مسئله کاملاً طبیعی است ...

بچه‌ها این زمان‌ها معمولاً با چهره‌شان مشکل دارند مثلاً دماغ بزرگ می‌شود، صورت پر از جوش می‌شود اینجا پدر و مادرها نقش فوق‌العاده‌ای دارند که این مسئله را کاملاً طبیعی جلوه دهند. مثلاً فرزند می‌گوید: وای مادر،



صورت من جوش زده است. انگار که تمام غم عالم به دل او نشسته است که دائماً جلوی آینه است و دائماً دارد با صورت خودش ور می‌رود. در پسران سر و گردن یک مقدار و دست و پاها بزرگ شده گردن یک مقدار انگار جلوتر آمده است یک مقدار ناهمانگ شده، حالا این ناهمانگی‌ها استرس ایجاد می‌کند برای نوجوان، اینجاست که والدین می‌توانند نقش فعال داشته باشند و دائماً بگویند: خدا رو شکر، چقدر زیبا شدی. اتفاقاً این جوش هم نشانه کمال است. این‌ها نشان می‌دهد که داری بزرگ می‌شوی. در چرخه بزرگسالی این اتفاق خوبی است که دارد می‌افتد. دائماً ابراز طبیعی بودن این مسئله و خدا را شکر کردن و اینکه من می‌بینم که داری بزرگ می‌شوی و این بزرگ شدن تو برای من خیلی جالب است. این کجا، تا اینکه شما بگویی: وای خدا مرگم بده، تو چرا زودتر اینطور شده‌ای! حالا الان دیگر چه موقع‌اش بود؟

معمولاً در دخترها این اتفاق می‌افتد، چون مثلاً دردهای ماهیانه دارند، مثلاً پدر و مادرشان می‌گویند: قربان خدا بروم این دیگر چه بود؟ همان قدر آن مطلب برای بچه درد دارد و اضطراب ایجاد می‌کند همین حرف هم مزید بر علت می‌شود. این جمله کوچکی است که از طرف مادر گفته می‌شود به هر حال همین‌ها اضطراب این دوران را مضاعف می‌کند.

گفتن این که تو بزرگ‌تر شدی، این نشان‌گر سلامتی جسمی توست، این مسئله را وقتی به بچه‌ها می‌کنیم در واقع می‌خواهیم بگویم نگاهتان همیشه به بحث هویت بچه‌ها باشد بعد دقت می‌کنیم به این نوع کلامی که با بچه‌ها داریم.

یک وقت‌هایی بچه مضطرب نیست، پدر و مادر اضطراب را ایجاد می‌کنند یا تشدید می‌کنند غافل از اینکه چه اتفاقاتی دارد در درون آن بچه ایجاد می‌شود. بنابراین، یک پدر و یک مادر قبل از هر چیزی باید خودش حلیم صبور باشد و این حلیم و صبور بودن و این مدیریت خشم و اضطراب را ما باید در خودمان ایجاد کنیم. یک راهش همین است که خودمان را به صبوری بزنیم. اصلاً در روایت داریم که خودتان را شبیه آدم‌های صبور کنید، هر کسی شبیه هر قومی لباس بپوشد و سعی کند رفتارش را شبیه رفتار آنها کند، عین آن قوم می‌شود. پس اگر قرار است ما تبدیل به چنین نقشی بشویم پس بهتر است نقش صبور و حلیم بودن را برای خودمان تمرین کنیم. مطمئن باشید اگر شما ۱۰ بار عمداً خود را به صبوری بزنید، آرام آرام شما فرد صبوری خواهید شد ...

اگر شما صبور باشید اضطراب خود را مدیریت کنید قاعدتاً این اضطراب را انتقال نخواهید داد، و وقتی اضطراب را انتقال ندهید در واقع قدرت این را پیدا خواهید کرد که اضطراب بچه‌ها را کنترل کنید. در این مسئله مدیریت به این شکل می‌تواند اتفاق بیفتد که دائماً ما این مسئله را به بچه‌ها می‌کنیم که خدا را شکر، در مسیر طبیعی تو رشدت دارد کامل می‌شود، جوش‌هایت هم قشنگ است، پوستت این قدر چرب و ناصاف شده این هم قشنگ است چون آدم آن ... بین چه پوستی پیدا کنی! این مقدمه آن پوست زیبا و شفاف است هر چقدر این القاء از طرف والدین برای بچه‌ها بهتر و شفاف‌تر اتفاق بیفتد، آن عزت نفس و رضایت در دل بچه‌ها



وقتی شکل بگیرد، انشاء... سالیان سال تداوم پیدا می‌کند. مخصوصاً دختران که ارتباط قوی‌تری با ولد همجنس خود یعنی مادر دارند، این‌ها آموزش جنسی مناسب‌تری دریافت می‌کنند. البته این هم مطلق نیست. دختر بچه‌هایی که اصلاً مادر خود را نمی‌بینند عملاً نباید توقع داشته باشیم که این پیام‌ها را درست دریافت کرده باشند و عملاً یک هویت مغشوشی شما ممکن است در این دختران یا در پسران ببینید،

در بحث بلوغ جنسی پیش‌رس و دیررس، بحث تجربیات و تحقیقات مطرح می‌شود که در میان اکثریت جوامع ارتباطات خانوادگی آن قدرها صمیمی نیست. و ارتباط دختران با مادرانشان قوی‌تر از ارتباط پسرانشان با پدرانشان است. به همین خاطر اطلاعات آمادگی دختران به مراتب بیشتر از پسران است.

پسران معمولاً در سن بلوغ، اگر پدر زمینه یک ارتباط تنگاتنگ را با فرزند پسر ایجاد نکرده باشد، آرام آرام شما می‌بینید که پسران یک حیایی نسبت به پدر دارند و در واقع به همین نسبت هم آن ارتباط را کمتر می‌کند و در مقابل دختران چون راحت‌تر با مادر ارتباط می‌گیرند، این هم مطلق نیست شاید مادرانی باشند که اجازه این ارتباط را به دختر ندهند، در نگاه کلی، دایره لغت ذهنی دختران بیشتر از دایره لغت پسران است. به این جهت که در ارتباطات کلامی یعنی هوش کلامی دختران تقریباً قوی‌تر از پسران است به خاطر همین به راحتی می‌توانند ارتباطات عاطفی بگیرند و حرف بزنند هرچقدر بهتر می‌توانند حرف بزنند بهتر می‌توانند اطلاعات بگیرند. وقتی اطلاعاتشان قوی‌تر است قاعدتاً برای ایجاد مهارت قوی‌تر می‌شوند، و در مقابل پسران در این زمینه یک مقدار به لحاظ طبیعی خلاء دارند و اینجا هست که پدر اگر یک نقش فعال داشته باشد می‌تواند این مسأله را جبران کند.

در بلوغ پیش‌رس یا دیررس، از آنجا که دختران بیشتر به جنبه‌های عمیق‌تر ارتباط اجتماعی و عاطفی توجه دارند و پسران بیشتر به جنبه‌های جسمی و ظاهری لذا همین مقدار اطلاعات اندکی که پسران دارند نیز بیشتر مربوط به رفتار جنسی است نه دانش تحول جسمی جنسیتی بلوغ، انرژی روانی پسران عمدتاً جهت‌گیری خارجی دارد و پسران در صدد تسلط بر محیط پیرامون هستند به همین جهت بر جنبه‌های خارجی متمرکزترند اما انرژی روانی دختران عمدتاً جهت‌گیری داخلی دارد مثالش همان نقاشی است که برای عزیزان عرض کردم گفتم یک گروهی بودند یک تحقیق میدانی کردند دختران به دنیای درون و عواطف زندگی خودشان متوجه‌تر هستند به همین دلیل اطلاعات پسر نوجوان بیشتر مرتبط با مسائل جنسی است تا دانش عمل جسمی و جنسیتی بلوغ.

در بحث اخلاق جنسیت هستیم. ما رشد و مراحل آن را مطرح کردیم در ادامه رشد گفتیم یکی از مؤلفه‌های مربوط به رشد بحث رشد جنسی است، رشد جسمی را مطرح کردیم. رشد جنسی را در دل رشد جسمی داریم مطرح می‌کنیم. تربیت جنسی را مطرح کردیم. در این بخش می‌خواهیم بحث اخلاق جنسی، حیطه‌های مجاز و غیرمجاز را مطرح بکنیم. پس بنابراین وقتی بحث اخلاق را مطرح می‌کنیم، یعنی فرد باید فرا بگیرد در بحث



اخلاق جنسی حیطه‌های مجاز رفتاری و غیرمجاز رفتاری را در اینجا هست که باید نسبت به آن مطلع شود. حالا از نگاه دینی ما گناه را مطرح می‌کنیم یا مثلاً خط قرمزها را مطرح می‌کنیم، چون ملاک ما، رضایت خداوند است.

در واقع رضایت خداوند را با عمل به آن حدود (در کف ماجرا) مقدمه‌ای برای جلب رضایت خداوند باشد. ما در بحث روابط اگر چندین پله در نظر بگیریم ما یک کف داریم یک سقف داریم، کف ماجرای ارتباطی ما با دیگران را حدود باید و نباید که افراد مجبورند به این بایدها و نبایدها یعنی بحث علاقه مطرح نیست بلکه بحث قوانین است که بایدها و نبایدها را ایجاد می‌کنند. این پله اول است، هرچقدر از ما این قواعد را درست رعایت بکنیم و حدود را رعایت بکنیم هرچقدر بالاتر می‌رویم آن بحث اخلاقیات و خلیات مطرح می‌شود. در واقع در این سن، فرد به لحاظ جنسی، در تربیت جنسی یاد می‌گیرد که چگونه می‌تواند ویژگی‌های جنسی خود را ابراز کند و برحسب اینکه در چه جامعه و فرهنگی زندگی می‌کند، اخلاق جنسی خاص خودش را شکل بدهد. به خاطر اینکه معیارهای مختلف (ما تفاوت معیار و مفاهیم تربیت داریم در فرهنگ‌های مختلف)، در واقع اخلاق جنسی در جوامع مختلف براساس باورهای آن مکاتب و ...

مذاهب و ادیان هست که شکل می‌گیرد. در واقع هنجار و ناهنجار جنسی الگوهای متفاوت است. میزانش متفاوت است. ما یک سری هنجار داریم که در جامعه ما هستند که اگر همین رفتار آزاد جنسی در جامعه داشته باشد ما با آن برخورد می‌کنیم. به عنوان یک ناهنجاری تلقی می‌کنیم. در شرایطی که همین مسأله شاید در یک جامعه‌ای غربی باشد شاید با آن برخورد می‌شود و خیلی هم روتین است.

بحث این است که هنجارها و ناهنجارها و بحث اخلاق جنسی ملاکش در جوامع و مکاتب و فرهنگ‌های مختلف از این جهت متفاوت است. حتی ممکن است در یک جامعه بین گروه‌های مختلف و فضاها، اخلاق جنسی متفاوت باشد. در صورتی که آن ملاک و معیار در جامعه و آن دیدگاه دینی و ملی و مذهبی ما، بحث حدود الهی، قوانین الهی و ما حصل آن، رضایت الهی است. این است که بحث اخلاق را (اخلاق جنسی را) مشخص می‌کند.

روانشناسی برای تربیت جنسی برای نگرش و رفتار و اخلاق جنسی نوجوان اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است چون معتقد است که اخلاق جنسی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و پاسخگویی به کمال هیجانی و نوجوان و جوان دارد و تأثیر فراوانی در زندگی اجتماعی و خانوادگی و مناسبات زناشویی دارد.

ما آن جور که فکر می‌کنیم حرف می‌زنیم. آن جور که حرف می‌زنیم رفتار می‌کنیم. یعنی در واقع آن نگرش ما رفتار ما را می‌سازد. ما همین را الگو روی بحث نوجوان ایجاد کنیم، آن آینده‌اش، آن بازخوردش، یک ارتباط کاملاً مستقیم با آن دورانی است که ما به آن، دوران نوجوانی می‌گوییم، که مملو از هیجانات است. در واقع یک جدال بین عقل و هیجان است.



و اگر اینجا نوجوانی بتواند نسبت به آن بایدها و نبایدها و هنجارهایی که جامعه از او توقع دارد با کمک اطرافیان انشاء... بتواند مسیر درستی را پشت سر بگذارد قاعدتاً آن هویت جنسی که دارد برایش شکل می‌گیرد در آینده، از یک سلامت خوبی برخوردار خواهد بود که مناسبات خانوادگی و زناشویی‌اش را هم بیمه می‌کند. در واقع این نیاز به آن آگاهی از هنجارهای متعادل جنسی و رفتاری دارد که مقدمه‌ای می‌شود برای نشاط فرد و طراوت و استحکام خانواده. اگر یک دختر بچه یا پسر بچه نوجوان به آن عزت انسانی خودش واقف باشد، قاعدتاً تن به ارتباطات هیجانی زودگذر با جنس مخالف نخواهد داد.

چون این دوستی‌ها به عنوان نیاز فرض است و وجود دارد ...

... اگر این نیاز مدیریت بشود که انشاء... در یک مسیر سلامت به ازدواج ختم بشود، خوب قاعدتاً می‌توانیم بگوییم که یک روابط خانوداگی با دوام و سلامتی به وجود خواهد آمد، ولی اگر آن فاکتورهایی که آن اخلاق جنسی را ایجاد می‌کند معرف نوجوان نباشد، خدای ناخواسته در این میسر و دستخوش تحولاتی یا دوستی‌های زودگذر می‌شود که تجربه‌های خوبی را برایش ایجاد نمی‌کند و در واقع آن تصور آینده خودش را اینجا دارد درست می‌کند. و اگر در این روابط متزلزلی که اتفاق بیافتد گام به گام دارد از آن سلامت روانی آینده خودش می‌کاهد و اینجا نیاز دارد که هم اطلاعات خوبی به او داده شود که بتواند این مسیر را انشاء... خوب پیش برود. پدر و مادر هم وظیفه‌شان حمایت است و هدایت است و در واقع باز اول تا آخر آن توکل به خداوند است که این مسیر که پرخطر است خداوند عالمیان امنیت‌اش را ضمانت کند. و اولیاء خودش را در این مسیر همراه کند که تربیت، تربیت درستی اتفاق بیافتد که انشاء... نسل پاک و سلامتی را تحویل جامعه آینده بدهیم.

یکی از مادران: با نوجوان کمال‌گرایی که همیشه باید ۲۰ بگیرد باید چه رفتاری داشته باشیم؟

ببینید، بحث کمال‌گرایی تا حد قابل توجهی این روحیه، روحیه القایی از اطرافیان است. یعنی قطعاً نوجوان کمال‌گرا، والدین کمال‌گرایی داشته، مربی کمال‌گرایی داشته، خوب. قاعدتاً الان به این سن رسیده یعنی در واقع یک ویژگی را همراه خودش تا اینجا آورده پس بنابر این نمی‌توانیم یک دفعه بگوییم که یک بخشی از این کمال‌گرایی او این است که باید ۲۰ بگیرد. خوب، ما می‌توانیم یک رفتار تعدیل کننده داشته باشیم. واقعیت‌اش رفتارهای ما وقتی شکل می‌گیرند اینطور نیست که بگوییم حالا یک قرص بخوریم رفتار ما تغییر کند، نه، اگر واقعاً جستجو می‌کنید کمال‌گرایی در همه شئون رفتاری او هست، این قاعدتاً باید با یک مشاوره دقیق پیگیری شود. ولی از طرفی هم شاید در ظاهر امر، این خیلی هم خوب جلوه داده شود. مثلاً خیلی تلاش می‌کند همه‌اش ۲۰ بگیرد یک بخشی از آن اگر واقعاً فرزند ما تلاش می‌کند که نمره خوب بگیرد و من هم تلاش او را می‌پذیرم و قدر دان تلاش او هستم و این را هم به او القاء می‌کنم که تو تلاشت را کردی. حالا اگر نمره ۲۰ نگرفت این را من کاملاً برایش توضیح می‌دهم که قاعدتاً نظر ما نمره ۲۰ نیست حتماً، ما برای تلاش مان



نمره می گیریم. این از یک طرف یک جوری نباشد که بخواهد این ۲۰ گرفتن یک وقتی است تلاش می کند واقعاً ۲۰ بگیرد، یک وقتی است اگر ۲۰ نگیرد مضطرب می شود، یعنی فکر می کند آخر دنیاست... ما به این کمال گرایی می گوئیم و این باید درست شود که اینجا مداخله شما می تواند حمایتی باشد که آن چیز که برای من ۲۰ است تلاش توست. آن چیز که برای من ۲۰ است این فشنگ درس خواندن توست. ۱۹ هم نمره خوبی است. یک وقتی هست که شما در کل بر گه نگاه می کنید یک ایراد کوچک دارید. هیچ اشکالی ندارد، ایراد قابل رفع است. امتحان مال این نیست که تو چقدر بلدی. امتحان برای این است که تو چقدر داری توانمندی خود را محک می زنی، پس قاعدتاً ۲۰ هم نمره خوبی است، ۱۹ هم نمره خوبی است پس باید به او کمک کرد که دچار اضطراب نشود و اگر دارد تلاش می کند که ۲۰ بگیرد این تلاش، تلاش بدی نیست تا زمانی که دچار اضطراب نشود و این مطلب را من اینطور نمی توانم بگویم که آیا ما واقعاً می توانیم به این نوجوان کمال گرا بگوئیم؟ چون من باید رفتارهای دیگری را هم ببینم. یک وقتی هست که ما به نوجوان برچسب نزنیم بحث کمال گرایی را ما باید بیشتر باهم صحبت کنیم که ببینیم آیا واقعاً شئون رفتاری دیگر او هم همینطور است یا خیر.

یکی از مادران: هوشش عالی است ولی اصلاً تلاش نمی کند و به همان نمره ۱۸ یا ۱۹ قانع است. پاسخ: این که بچه هوشش عالی است و اصلاً تلاش نمی کند، اصلاً یکی از ویژگی های آدم های تنبل این است که بین آن بحث یادگیری و هوش شان، با بحث تلاششان فوق العاده فاصله است. چرا؟ چون این آدم می بیند که با کوچکترین تلاش می تواند ۲۰ بگیرد و می بیند انگیزه ای خیلی برایش نیست، لذا خیلی لزومی نمی بیند که تلاش کند. ولی اگر اینجا ما بیایم به تلاش کم او هم، نمره بدهیم؛ (نه نمره آکادمی که در کلاس داده می شود) یعنی من تلاشش را ببینم، همان مقدار کمی که می خواند را تحسین کنم، و در کنارش بگویم که فوق العاده امروز بهتر تلاش کردی. قطعاً اگر این تلاشت کامل تر می شد، می توانستی نمره کامل تری بگیری. ولی ۱۸ یا ۱۹ هم نمره خوبی است. خیلی خوشحال می شدم اگر تو می توانستی نمره های را نمره کاملی بگیری، چون می بینم استعدادش را داری. یعنی نمره ۱۸ یا ۱۹ نمره بدی نیست. خواهشاً به خاطر این ۱ نمره بچه ها را سرزنش نکنید. همان اندک تلاش شان را این قدر بودند و تقدیر بکنید که انشاء... مقدمه ای و تشویقی بشود برای تلاش بیشترشان.

یکی از مادران: پسر من تازه به بلوغ رسیده، خیلی سؤالات جنسی دارد، همه اش می خواهد مرا بغل کند. ارتباطش با پدرش خیلی خوب است.

پاسخ: اینکه می خواهد شما را بغل کند، اشکالی ندارد این طبیعی است در این سن ... ولی شما اجازه ندهید که خیلی خاص شما را بغل کند، سعی کنید تا می آید شما را بغل کند، شما بغل خود را باز کنید می خواهد شما را ببوسد، شما مقدمتاً ایشان را ببوسید. همین قدر که شما برای بغل کردن یا بوسیدن جلو



میروید آن فشار و شتاب بغل کردن او را و آرام آرام انشاء... این سن رد می شود، شما سعی کنید پیشانی اش را ببوسید. بگویید که من پیشانی ات را می بوسم میدانم که اینجا محل ارتباط با خداست. اینجا بوسه اش مزه دیگری را دارد. من به تو افتخار می کنم و دقیقاً آن شرایط را برایش مهیا کنید که این ارتباط، ارتباط جنسی نشود. مادر متوجه می شود که این ارتباط تا چه حد است و بیش از حد اجازه ندهید و بگویید من اذیت می شوم استخوان هایم درد می کند و تو ماشاء... بزرگ شدی من طاقت این نوع بغل کردن را ندارم. توقوی هستی. ذهن اش را از این موضوعات خاص منحرف کنید. در صورتی که او در وهله اول اصلاً با نگاه جنسی جلو نمی آید.

یکی از مادران: ناراحت این هستم که تلاش نکند حس مسئولیت پذیری اش از بین برود.
پاسخ: نه، ناراحت این مسأله نباشید. شما سعی کنید فقط به تلاشش نمره بدهید. یعنی مدام تلاشش را ببینید و تشویق اش کنید. قاعدتاً فرزند شما، فرزند مسئولیت پذیری خواهد بود. این را مطمئن باشید.

یکی از مادران: می گویم همه اش افکار بد که به سراغت می آید کار شیطان است.
پاسخ: مگر سؤال می کنید یا حرف می زند؟ شما چرا به افکارش ارزش می دهید که بگویید بد است یا خوب است؟ نه، یک سری افکار سرغش می آید شاید بخواهد با شما صحبت کند. به او جهت بدهید، نه ارزش.

وقتی ما می گوئیم افکار بد، یعنی یک نگاه کلی ارزشی داریم به او می دهیم که می گوئیم بد است یا خوب است. نه، یک فرآیند باید بگوئیم که این در جهتی است. جهت به او بدهیم. لزومی ندارد خیلی چیزها را خاص مطرح کنید ولی بگذارید با شما صحبت کند. هدایتش کنید با ارتباط با خدا، راه هایی که بتواند افکارش را مدیریت کند. بحث ریلکسیشن را یادش بدهید. به این افکار، افکار مزاحم می توانید بگوئید و نه افکار بد.

این افکار مزاحم اند. این افکار را باید تو مدیریت کنی. برای همه پیش می آید. طبیعی جلوه بدهید. همه در سن تو این تجربه را دارند. ولی مطمئن باش قاعدتاً این لزوماً بد نیست ولی تو باید این قدر قوی باشی که به این ها جهت بدهی و این ها را به یک شکلی مدیریت کنی. تا جایی که می توانید این را برایش طبیعی جلوه دهید که خدای نکرده زود از افکار خودش برای هم سن و سالانش صحبت کند. یک اباحه گری هایی برایشان پیش بیاید مقدمه یک ارتباطات و افکار بد می شود. ما اجازه به آنجا رسیدن را انشاء... به بچه ها ندهیم با درایتی که داریم.
یکی از مادران: افکارش را می گوید خوب نیست.

پاسخ: می دانم، می گویم شما جهت بدهید. بگویید این افکار مزاحم اند، مزاحم رشد تو می شوند ولی نگوئید بد است. بگویید طبیعی است. خیلی ها در سن تو ممکن است این ها برایشان پیش بیاید ولی این ارتباط با خدا این دعا را بخوانیم، فکرم را سعی کنم منحرف کنم، جایم را عوض کنم، شرایطم را تغییر بدهم. همه این ها ممکن است تأثیر بگذارد. یعنی شما راه یادش بدهید که بتواند به شرایطش فائق بیاید و به آن مسلط بشود.



معرفی کتاب: کتاب تربیت جنسی آقای علی نقی فقیهی است که بحث تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث است.

کتاب بحث تربیت جنسی کتاب کاملی است که انتشارات تهران شهر ری حرم حضرت عبدالعظیم.

تلفن: ۵۵۹۵۲۸۶۲ - دفتر مرکزی شهر قم ۷۷۴۰۵۲۳ - ۰۲۵۳ (فروشگاه ۳)

"کتاب تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث"

انشاء... در همین حد که جوابها داده شد راهگشا باشد (این مقدار در بضاعت من بود) و بنده را هم از دعای خیرتان محروم نفرمائید.

پایان جلسه پنجم سرکار خانم ریحانی

۹۹/۹/۲